

«فتنه»

آزمایشات آدمی (۳)

از میان همه واژه‌هایی که در موضوع "آزمون انسان" در قرآن به کار رفته است؛ مثل: امتحان، ابتلاء، اختبار، تمحیص، تمخیض و فتنه، واژه "فتنه" با ۳۰ بار تکرار (۶۰ بار با مشتقات)، بیش از بقیه کلمات در این کتاب کاربرد داشته است.

اصل کلمه "فتنه" از قرار دادن طلا یا نقره در آتش برای خالص شدن از آمیختگی‌ها و تیرگی‌ها گرفته شده است^(۱). در واقع کاربرد اصلی و اولیه این کلمه، در صنعت پالایش فلزات گران قیمت در بوته آزمایش بوده است، سپس به طور مجازی در مورد مشکلات زندگی که همچون کوره آتش، آدمی را آبدیده می‌کند به کار رفته است. در نهاد انسان نیز گوه‌ری گران‌بهرتر از طلا و نقره وجود دارد که تنها در مصاف با مشکلات است که چرک و شرک آن به طهارت و توحید تبدیل می‌گردد.

این تشبیه و تمثیل مختص به قرآن نیست، هرچند قرآن آن را به تفصیل بیان کرده است، در انجیل نیز یکبار به کار رفته و مسیحیان به عنوان کشف و معجزه‌ای کلامی از آن فراوان یاد می‌کنند. نگاه کنید:

"او (پروردگار) همچون پالایش‌کننده نقره عمل می‌کند. او فرزندان لوی را همچون طلا و نقره خالص و پالوده خواهد کرد تا اعمال پسندیده‌ای به پیشگاه پروردگار عرضه کنند."

He will act like a refiner and purifier of silver. He will purify Levi's sons and refine them like Gold and Silver. Then they will bring acceptable offerings to the Lord.

Malachi 3:3. God words (Bible) translation 1995

در برخی ترجمه‌های انجیل، به جای جمله "او همچون... عمل می‌کند"، جمله: "او در جایگاه پالاینده و خالص‌کننده نقره خواهد نشست" را به کار برده‌اند. شارحین انجیل توضیح داده‌اند که همچون نقره کار که یکسره باید چشم به فرآیند ذوب ناخالصی‌های نقره داشته و موقعی کار خود را تمام شده تلقی می‌کند که تصویرش را در نقره ناب و تصفیه شده ببیند، پروردگار نیز چشم از بنده خود بر نمی‌دارد و با مهربانی مراقب حالات اوست تا با پالایش منیت‌ها، تصویر پاک خود را در دل او ببیند! آن کس که می‌داند در کوره ابتلائات زندگی در حال پالایش و پیوستن به پاکی‌هاست، داغی دردها را تحمل می‌کند.

واژه‌هایی که در قرآن در زمینه آزمون آدمی به کار رفته‌اند، منظومه‌ای را تشکیل می‌دهند که هرکدام از زاویه‌ای خاص پدیده‌ای واحد را شرح می‌دهند:

در واژه فتنه: به آتش آزمون در آمدن.

در واژه امتحان: به محنت و سختی افتادن.

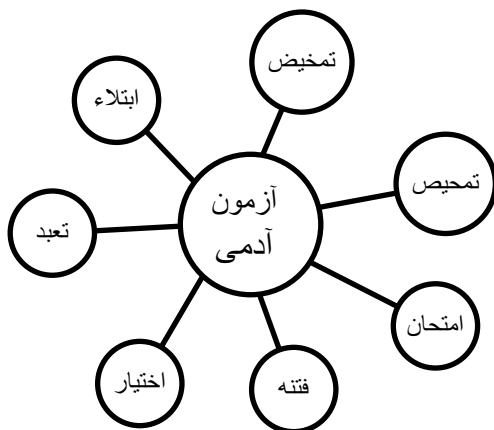
در واژه اختبار: خبر و ماهیت خود را بروز دادن

در واژه ابتلاء: به فعلیت درآوردن استعدادها بالقوه در سختی‌ها.

در واژه تمحیص: به فرآیند تصفیه و پالایش.

در واژه تمخیض: به زیر و رو شدن و درد زایمان (تولد دیگری).

در واژه تعبد: وجود خود را در مجاهدت‌ها صاف و هموار کردن.



وجود این تعداد کلمات مشابه ممکن است خواننده را کمی سردرگم نماید و در شناخت فلسفه "آزمون آدمی" متحیر بماند. از این نظر برای ساده‌تر شدن مطلب از مثال "مدرسه" استفاده می‌کنیم.

هدف از تأسیس مدرسه؛ چیزی جز تعلیم و تربیت نونهالان نیست تا هوش و استعداد های "بالقوه" در نهاد آنان را به "فعلیت" و ظهور و بروز برساند (مفهوم **ابتلاء**). چنین امری ممکن نمی‌گردد مگر با تلاش سخت و مستمر آنان و فدا کردن راحت و رفاه دوران کودکی، به اصطلاح قدیمی‌ها "دود چراغ خوردن"! و خود را به آب و آتش فراگیری علم و دانش انداختن (معنای **فتنه**).

استقبال از چنین فتنه‌ای البته سخت است، اما بر شیرین دارد و به تدریج شاگرد را از تنبلی و تن‌پروری‌های دوران کودکی به تنظیم و ترتیب امور، تعلیم و تربیت نفسانی و تأدیب و تصفیه شخصیتی می‌رساند (معنای **تمحیص**). اوج این تلاش موقعی است که باید خود را برای آزمون آخر سال (**امتحان**) آماده سازد و همچون بانوی بارداری آنچه در خود پرورانده، وضع حمل نماید (**تمخیص**). پس از امتحان است که نتیجه و "خبر" آنچه خوانده و تلاش کرده مشخص می‌شود (**اخبار**).

نونهالان در اولین روز ورود به مدرسه، به خاطر جدائی از مهد خانه و مهر مادر، دچار دل‌تنگی و غربت می‌شوند، اما به تدریج در چالش باسختی‌ها وجودشان ساخته و هموار در مسیر رشد و کمال می‌گردد (معنای **تعبد**).

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، مدرسه را از هر یک از زوایائی که توضیح داده شد می‌توان با نگاهی منفی تعریف کرد؛ بلای دوران نشاط کودکی (ابتلاء)، آتشی که آسایش را برباد می‌دهد (فتنه)، تکالیف سخت معلمان (تمحیص)، محنت و سختی آزمون (امتحان)، تلاش طاقت فرسای نهائی (تمخیص). ساختن خود برای ورود به زندگی سراسر سختی و رقابت (عبادت).

تعریف‌های فوق گرچه تماماً صادق است، اما جامع و مانع و بیانگر فلسفه تأسیس مدارس نیست، هر کدام از بُعدی به مسئله‌ای نگریسته‌اند که يك حقیقت است. مدرسه جز برای تعلیم و تربیت و خیر و خدمت به ابناء بشر تأسیس نمی‌شود. اما جز از این مسیر به چنین مقصودی نمی‌توان رسید.

معنای "فتنه" در قرآن نیز همان مقصودی است که از تأسیس مدرسه مورد نظر است، اما متأسفانه در فرهنگ ما همواره از کلمه فتنه و ابتلاء و امتحان همان معنای منفی متعارف فهمیده می‌شود که یا دلالت بر سختی می‌کند، یا آزمون است برای تشخیص آدم‌های بد و خوب. غافل از آن که خدا نه اهل سخت‌گیری بر بندگان است و نه بی‌اطلاع از نهاد آنها تا نیازمند آزمایش باشد!!

شناخت تفاوت این واژه‌ها برای ما فارسی‌زبانان که از فرهنگ قرآن و فهم ظرائف کلمات آن دور شده‌ایم، البته مشکل است. با کمال تعجب در آثار عارفان و ادیبان بزرگمان نیز، که موجب فخر ملت هستند، معنائی که از کلمه "فتنه" استنباط شده و به نظم و نثر آمده است، به کلی با مفهوم عمیق این واژه در قرآن که دلالت بر چالشی مستمر در مسیر رشد و تربیت انسان دارد تفاوت دارد. وقتی معلمان زبان و ادبیات ما به جای روح مطلب، به عوارض جانبی و معانی فرعی آن پرداخته‌اند، چه انتظاری از توده‌های مردم است؟! و این خود نشانه‌ای است بر مهجور ماندن بسیاری از مفاهیم قرآن و ادغام آن با عرفان شرقی و فرهنگ‌های دیگر.

در میان عارفان بزرگ ما همچون: حافظ و مولوی، حتی سعدی و یا عطار و جامی، ابوسعید ابوالخیر، امیر خسرو دهلوی و ... قالب عشق (واقعی یا مجازی نسبت به خدا) بیان‌کننده مفهوم فتنه گشته است. و در میان ادیبانی همچون پروین اعتصامی، خیام، ناصر خسرو و شیخ بهائی، فتنه در فلكِ قدَر و بی‌وفائی روزگار و حوادث ناگوار جلوه کرده است. از شاعران متأخر نیز ملك‌الشعراى بهار مفهوم فتنه را در دنیای سیاست و خرابی ملك و ملت دیده و بر استبدادیان شوریده است و برخی همچون فردوسی اصلاً کلامی از فتنه نگفته‌اند. خلاصه آن که این قلم در آثار مفاخر ملی گذشته که بعضاً نامشان زینت‌بخش این نوشته شد، ذکری از مشیت الهی برای ابتلای بندگان به فتنه و فلسفه این چالش‌ها در کاربرد این کلمات در اشعارشان نیافته‌ام، امید است اگر این سخن خطاست، اهل فن اصلاح و ارشاد نمایند.

(برای آشنائی بیشتر با کاربرد فتنه در آثار ادیبان و عارفان در انتهای این نوشته نمونه‌هایی از هر کدام آورده شده است.)

اما همان‌طور که در بخش نخست با استفاده از سخنان حضرت علی در نهج البلاغه گفته شد، مسلمانان آگاه صدر اسلام این تفاوت‌ها را به خوبی تشخیص می‌دادند. بار دیگر به همان عبارت منقول از نهج البلاغه استناد می‌کنیم که هر هفت واژه مورد نظر را که بیان‌کننده آزمون رشد و کمال آدمی در مدرسه هستی‌اند، در يك خطبه آورده است:

(انبیاء) وکانوا اقواما مستضعفین، قداختبرهم بالمخصمه، وابتلاهم بالمجاهده، وامتحنهم بالمخاوف، ومخصهم بالمکاره. فلاتعتبروا الرضى والسخط بالمال و الولد، جهلا بمواقع الفتنه فى موضع الغنى والاقتدار.

در مورد مناسك حج (بند ۵۹): ابتلاء عظیما، و امتحاناً شدیداً، و اختباراً مبیناً، و تمحیصاً بلیغاً..... (بند ۶۵) ولكن الله يختبر عباده بانواع الشدائد، و يتعبدهم بانواع المجاهد، و يبتليهم بضروب المكاره... خطبه ۱۹۲ (در بعضی نسخ ۲۳۴)

بیشتر واژه‌های فوق را در بخش‌های قبلی توضیح دادیم. در این بخش به بررسی معنای "فتنه" می‌پردازیم و نگاهی به تنوع زمینه‌های آن در قرآن می‌اندازیم.

۱- فتنه اموال و اولاد

عمومی‌ترین مورد فتنه که هیچ کس از آن مستثنی نیست، اموال و اولاد است که گسترده‌ترین آزمایشگاه آدمی و مهم‌ترین بستر سازندگی شخصیت او می‌باشد. فتنه که به اشتباه در ذهنیت ما امری منفی و مذموم تلقی گشته، در اینجا به دو امر محبوب، یعنی اموال و اولاد نسبت داده شده است که هم تعلق و دلبستگی افراطی به آنها ممکن است موجب غفلت از حق و زیر پا گذاردن عدالت گردد و هم اختلافات خانوادگی و مسائل مالی بخل و بی‌تقوائی به بار آورد:

انفال ۲۸ و تغابن ۱۵- وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

و بدانید که اموال و فرزندان شما (وسیله) آزمایش (شما) هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

حضرت علی^(ع) در تسلیت یکی از یارانش که فرزند خود را از دست داده بود فرمود: پسرت (هنگام تولد) موجب مسرت تو شد، در حالی که "بلائی و فتنه‌ای" (موجب آزمایش تو) بود، و (هنگام مرگ) موجب حزن تو گردید در حالی که (اگر صبر و تحمل کنی) موجب ثواب و رحمت خواهد بود. (ابنك سرک و هوبلاء و فتنه، و حزنك و هو ثواب و رحمه) نهج‌البلاغه حکمت ۲۸۳ یا ۲۹۱

در جای دیگری فرمود: هرگز نگوئید: "خدایا به تو پناه می‌برم از فتنه"! زیرا کسی نیست مگر آنکه به نحوی گرفتار فتنه (آزمایش) است. اما اگر کسی می‌خواهد به خدا پناه جوید، باید از فتنه‌های گمراه کننده به خدا پناه جوید زیرا خداوند سبحان فرموده: "بدانید که دارائی‌ها و فرزندان شما فتنه (وسیله آزمایش) شما هستند". حکمت ۹۰ یا (۹۳ دربرخی نسخ)

۲- هر آنچه خیر و شر است

همان‌طور که گفته شد، برخلاف تصور عمومی، امور خیر هم از آنجائی که وسیله امتحان و رشد و کمال ما هستند، فتنه محسوب می‌شوند:

انبیاء ۳۵- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۚ وَلِئِنَّا لُرَّجِعُونَّ

هر نفسی چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید.

۳- پیامبران در معرض فتنه

تصور عمومی بر این است که انسان‌های بد و ناخالص مورد فتنه و ابتلاء قرار می‌گیرند تا پاك و پیراسته شوند، اما از آنجائی که پاکی و پرواز به سوی کمالات ربوبی نسبی است و حد و مرزی ندارد، آزمون فتنه شامل پیامبران نیز می‌گردد:

طه ۴۰- ...وَقُلْتُ نَفْسًا فَنَجَّيْتُكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ

...و (سپس) شخصی را کشتی و (ما) تو را از اندوه رهانیدیم و تو را بارها آزمودیم و سالی چند در میان اهل مدین ماندی سپس ای موسی در زمان مقدر (و مقتضی) آمدی.

ص ۲۴- ... وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتْنَاهُ فَاستَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ

... و داوود دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رو در افتاد و توبه کرد

ص ۳۴- وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

و قطعاً سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی بیفکندیم پس به توبه باز آمد.

۴- راحتی، رفاه، علم و دانش

طه ۱۳۱- وَلَئِنَّمُدَنَّ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَنَّاعُنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَنُفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

و زهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم (و فقط) زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم دیدگان خود مدور و (بدان که) روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.

فتنه تست این پر طاوسیت که اشتراکت باید و قدوسیت

(همچنین سوره جن آیات ۱۶ و ۱۷).

۵- مشکلات و سختی‌های زندگی

تمام پریشانی‌های زندگی که آرامش و آسایش را سلب می‌کنند و ضرر و زیان به بار می‌آورند، آزمونی برای آبدیده شدن آدمی هستند، هر چند ما آنها را به اشتباه بی‌توجهی خدا تلقی می‌کنیم:

عنکبوت ۱ تا ۳- الم ؛ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ؛ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

الف لام میم ؛ آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند ؛ و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم دارد.

حج ۱۱- وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر يك حال (و بدون عمل) می‌پرستد پس اگر خبری به او برسد بدان اطمینان یابد و چون بلایی بدو رسد روی برتابد در دنیا و آخرت زیان دیده است این است همان زیان آشکار

زمر ۴۹- فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْنُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ ۗ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و چون انسان را آسیبی رسد ما را فرا می‌خواند سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید تنها آن را به دانش خود یافته‌ام نه چنان است بلکه آن آزمایشی است ولی بیشترشان نمی‌دانند.

۶- جنگ و تعرض بیگانگان

سخت‌ترین و آشکارترین فتنه که دامنه‌اش جان و مال و ناموس و خاك و خانه و همه زندگی را به خطر می‌اندازد، حملات خارجی و ضرورت دفاع در برابر مهاجمان است:

بقره ۱۹۱- وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى تَقْتُلُوهُمْ أَوْ تُهْرَبُوا مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

و هر کجا بر ایشان دست‌یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید (چرا که) فتنه (=شُرک) از قتل بدتر است (با این همه) در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است.

بقره ۱۹۳- وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

بقره ۲۱۷- ... وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ...

...و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا (گناهی) بزرگتر و فتنه از کشتار بزرگتر است...

انفال ۳۹- وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای برجای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر (از کفر) بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.

انفال ۷۳- وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند اگر این (دستور) را به کار نیندید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد.

توبه ۱۲۶- أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ

آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال یک یا دو بار آزموده می‌شوند باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند. (همچنین توبه ۴۹)

۷- اختلافات داخلی امت، تنازع و رقابت‌های درونی، فقدان آزادی و امنیت اجتماعی

علاوه بر دشمنی‌های بیرونی، دشمنی‌های درونی يك ملت که از رقابت قدرت در میدان سیاست برمی‌خیزد فتنه محسوب می‌شود و قرآن بیش از همه، بر این نوع فتنه هشدار داده است:

انفال ۲۵- وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَلَا تَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که خدا سخت‌کیفر است.

(مطالعه مجموعه آیات ۲۳ تا ۲۹ توصیه می‌شود)

و همچنین این آیات درباره منافقین درونی جامعه: نساء ۹۱، توبه ۴۷ تا ۴۹، اسراء ۶۰، نور ۶۳، و احزاب ۱۴

۸- آزمون امت‌ها با انبیاء (تصدیق یا تکذیب) معجزات و آیات بینات

دخان ۱۷- وَلَقَدْ فُتِنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ

و به یقین پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم و پیامبری بزرگوار برایشان آمد.

قمر ۲۷- إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرْ

ما برای آزمایش آنان (آن) مادهشتر را فرستادیم و (به صالح گفتیم) مراقب آنان باش و شکیبایی کن.

همچنین: بقره ۱۰۲، مائده ۷۱، اعراف ۱۵۵، طه ۸۵ و ۹۰، انبیاء ۱۱۱، نمل ۴۷.

۹- فتنه به معنای آزار و اذیت، شکنجه دادن و به عذاب انداختن دیگران

بروج ۱۰- إِنَّ الَّذِينَ فُتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ

کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده‌اند ایشان را عذاب جهنم و ایشان را عذاب سوزان.

نحل ۱۱۰- ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ

با این حال پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از (آن همه) زجر کشیدن هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند پروردگارت (نسبت به آنان) بعد از آن (همه مصایب) قطعاً آمرزنده و مهربان است.

یونس ۸۳- فَمَا أَمَّنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ^۶ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ

سرانجام کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان او از قوم وی در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند و در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتریجوی و از اسرافکاران بود.

۱۰- فتنه به معنای فریب دیگران

مائده ۴۹- وَأَنْ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ^۷

و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند.

اسراء ۷۳- وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ^۸ عَنِ الَّذِي أُوحِيتَ إِلَيْكَ لَيَقْتُلِي عَلَيْنَا غَيْرُهُ^۹ وَإِذَا لَتَتَّخِذُكَ خَلِيلًا

و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده‌ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند.

(همچنین: آل عمران ۷، صافات ۱۶۲ و قلم ۶)

۱۱- فتنه به معنای در معرض ظلم و ستم کسی واقع شدن

یونس ۸۵- فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا ما را برای قوم ستمگر (وسیله) آزمایش قرار مده.

عنكبوت ۱۰- وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

و از میان مردم کسانی‌اند که می‌گویند به خدا ایمان آورده‌ایم و چون در (راه) خدا آزار کشند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتما خواهند گفت ما با شما بودیم آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست.

ممتحنه ۵- رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رُبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا ما را وسیله آزمایش (و آماج آزار) برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری.

۱۲- آزمون انسان‌ها در مناسبات با یکدیگر

فتنه‌ها و شورها انگیزته بندگان و خسروان آمیخته

انعام ۵۳- وَكَذَلِكَ فِتْنًا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

و بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم تا بگویند آیا اینانند که از میان ما خدا بر ایشان منت نهاده است آیا خدا به (حال) سپاسگزاران داناتر نیست.

فرقان ۲۰- وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

و پیش از تو پیامبران (خود) را نفرستادیم جز اینکه آنان (نیز) غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند و برخی از شما را برای برخی دیگر (وسیله) آزمایش قرار دادیم آیا شکیبایی می‌کنید و پروردگار تو همواره بیناست.

۱۳- فتنه به معنای فریب شیطان

اعراف ۲۷- يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا إِنَّهُ يَرََاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

ای فرزندان آدم زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند در حقیقت او و قبيله‌اش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید می‌بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

حج ۵۳- لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

تا آنچه را که شیطان القا می‌کند برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و (نیز) برای سنگدلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه‌های بس دور و درازند.

۱۴- عذاب جهنم

صافات ۶۳- إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

در حقیقت ما آن را برای ستمگران (مایه آزمایش و) عذابی گردانیدیم.

ذاریات ۱۲ تا ۱۴- یَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ؛ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ؛ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

پرسند روز پاداش کی است ؛ همان روز که آنان بر آتش عقوبت (و آزموده) شوند ؛ عذاب (موعود) خود را بچشید این است همان (بلایی) که با شتاب خواستار آن بودید

۱۵- فتنه به معنای عمومی آزمون

مائده ۴۱- ...يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

...کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند (و) می‌گویند اگر این (حکم) به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید اینانند که خدا نخواست دلهایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.

انعام ۲۳- ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

آنگاه عذرشان جز این نیست که می‌گویند به خدا پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم.

مذثر ۳۱- وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عَدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا...

و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده‌اند قرار ندادیم ...

۱۶- فتنه به معنای خود فریبی

حدید ۱۴- يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

(دو رویان) آنان را ندا درمی‌دهند آیا ما با شما نبودیم می‌گویند چرا ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غره کرد تا فرمان خدا آمد و (شیطان) مغرورکننده شما را در باره خدا بفریفت.

دیدگاه عارفان و ادیبان ما درباره فتنه

مولوی (دیوان شمس)

کلمه فتنه در دیوان شمس عمدتاً با کلمات: می و مستی، یار و پری روی، ساقی و صراحی، حوری، جفای یار، دل، عشوه، عاشقی و.... در معنای مجازی آن آمده است:

فتنه شد اندر عدم

در عشق تو چون دم زدم صد

می به قدح ریختی فتنه برانگیختی کوی خرابات را تو چه کلیدی بگو

ای عشق خونم خورده‌ای صبر و قرارم برده‌ای از فتنه روز و شبت پنهان شدستم چون سحر
موکلان چو آتش ز عشق سوی می‌آیند به سوی عشق گریزم که جمله فتنه از او شد
از پگه امروز چو خوش مجلسی است آن صنم و فتنه فتانه را
فتنه عشاق کند آن رخ چون روز تو را شهره آفاق کند این دل شبگرد مرا

حافظ

مرا چشمی است خون افشان ز دست آن کمان ابرو جهان بس فتنه ها خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو
عالم از شور و شرّ عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان غمزه جادوی تو بود
چشمی که نه فتنه تو باشد چون گوهر اشک غرق خون باد
طریق عشق پر آشوب و فتنه است ای دل بیفتد آنکه در این راه با شتاب رود
از آن زمان که فتنه عشقت به من رسید ایمن ز شرّ فتنه آخر زمان شدم
هر چند حافظ واژه عشق را کمتر از یکدهم آنچه مولوی به کار برده در اشعار خود آورده است، اما همانطور که از
نمونه‌های فوق می‌بینید، عمدتاً این واژه را به طور مجازی در مناسبات با عشق و مستی و شور شناخت مطرح کرده است
که الزاماً با معنای این کلمه در قرآن یکی نیست.

سعدی

چه دل‌ها بردی ای ساقی به ساق فتنه انگیزت در یغا بوسه‌ای چندی بر زنخدان دل انگیزت
جهان از فتنه و آشوب يك چندی برآسودی اگر نه روی شهر آشوب و چشم فتنه انگیزت
برخیز که چشم‌های مستت خفتست و هزار فتنه بیدار
ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار فتنه در آفاق نیست جز غم ابروی دوست
فتنه درپارس بر نمی‌خیزد مگر از چشم‌های فتنات
به بیداری‌اش فتنه بر خد و خال به خواب اندرش پای بند خیال
سعدی علیه الرحمه نیز که معلم مکارم اخلاقی نام گرفته، هر چند در مواردی کلمه فتنه را به معنای عام جنگ و آشوب و
ایجاد ناامنی به کار برده است، اما در فضا و فرهنگ ادبی و عرفانی که می‌زیسته، همچون حافظ و مولوی، فتنه را در
مناسبات عشق و عاشقی مجازی تصویر کرده است که البته با فلسفه قرآنی این کلمه که چالش آدمی در مسیر کمال
است متفاوت می‌باشد.

فردوسی و خیام

این قلم در شاهنامه فردوسی کلمه فتنه را نیافت، از خیام نیز جز بیت زیر شعری ندید که آنهم از بُعد منفی به فتنه نگریسته
است:

ای دیده اگر کور نئی گور ببین وین عالم پر فتنه و پر شور ببین

شاهان و سران و سروران زیر گلند روی چو مه در دهن مور ببین

ابوسعید ابوالخیر

عشق آمد و گرد فتنه بر جانم ریخت عظم شد و هوش رفت و دانش بگریخت
چندت گفتم که دیده بر دوز ای دل در راه بلا فتنه میندوز ای دل
اکنون که شدی عاشق و بد روز ای دل تن در ده و جان کن و جگر سوز ای دل

جامی (در هفت اورنگ)

چون به حق یافت انبعاث این خواست فتنهی عشق و عاشقی برخاست
فلک سرگشته از سودای عشق است جهان پر فتنه از غوغای عشق است

در آثار شاعران سرشناس دیگر همچون عطار، شبستری، امیر خسرو دهلوی و ... نیز اگر جستجو کنید، عمدتاً کلمه فتنه را یا در مناسبات عشق و عاشقی (البته به طور مجازی در ارتباط با خدا) می‌یابید و یا در همان مفهوم متداول منفی آن که دلالت بر حوادث و آشوب‌های روزگار می‌کند. بیشتر آنها به مفهوم اولی پرداخته و کمتر، مثل ناصر خسرو، شیخ بهائی و بخصوص پروین اعتصامی، که زندگی تلخ و شررباری داشته است، فتنه را در مشکلات روزگار دیده‌اند که ذیلاً نمونه‌هایی را ملاحظه می‌نمائید:

پروین اعتصامی

توغافلی و سپهر گردون را فارغ زفسون و فتنه پنداری
چنین است فرجام خون ریختن رسد فتنه، از فتنه انگیختن
مباش فتنه زیبایی و لطافت ما چرا که نامزد باد مهرگان شده‌ایم

ز جور مال و مه ای دوست کس نرست، تمام اسیر فتنهی دی‌ماه و تیر و مرداداند

واژه‌هایی که در ارتباط با فتنه در آثار پروین آمده‌اند بعضاً عبارتند از: فتنه دریا، فتنه طوفان، فتنه باد، بحر فتنه، فتنه پنداری، فتنه‌های آسمانی، فتنه دیمه، فتنه زیبایی، فتنه دام، سیل فتنه، فریب روزگار حادثه، سیل و آشوب، باد خزان، چرخ، دهر، بادسموم، دزد عیار، تله، بند و ... که تماماً نگاه این بانوی دلسوخته و رنج کشیده را به نمایش می‌گذارد.

ناصر خسرو

در آثار ناصر نیز همچون پروین اعتصامی، کلمه فتنه را در متن مصائب و محنت‌های زندگی و کلماتی همچون: فتنه تن، سرای غرور، دنیاپرستی، مال، سبزی زندگی، دشمن و ... می‌بینید تا جایی که در شعر بلند مجادله ماندنی با خدا اصلاً وجود فتنه و آفرینش شیطان را به خدا ایراد می‌گیرد. ذیلاً این ابیات را که شاهد آشکاری بر ناآگاهی از فلسفه ابتلاء و امتحان و فتنه در قرآن است به تمامه نقل می‌کند:

خدایا راست گویم فتنه از تست ولی از ترس نتوانم چغیدن

سخن بسیار اما جرأت نیست نفس از بیم نتوانم کشیدن

اگر اصرار آرم ترسم از آن که غیض آری و نتوانم جهیدن
اگر می‌خواستی کاینها نپرسم مرا بایست حیوان آفریدن
اگر نیکم اگر بد، خلقت از تست خلیقی خوب بایست آفریدن
تو در اجرای طاعت وعده دادی بهشت از مزد طاعت آفریدن
ولی این مزد طاعت با شفاعت چه منت‌ها ز تو باید کشیدن
اگر خود داده‌ای در ملك جایم نباید بر من آزارت رسیدن
به کس چیزی نسپردی چه‌خواهی حساب اندر طلب باید کشیدن
اگر صد بار در کوره گذاری همانم باز وقت باز دیدن
تو گر خلقت نمودی بهر طاعت چرا بایست شیطان آفریدن
بما اصرار داری در ره راست به او در پیچ و تاب ره بریدن
به ما فرمان دهی عند عبادت به شیطان در رگ و جانها دویدن
به ما تقصیر خدمت نیست لازم بدیم و بد، نباید آفریدن
اگر مطلب سر دوزخ بردن ماست تعلل چند بایست آوریدن
بفرما تا سوی دوزخ برندم چه مصرف دارد این گفت و شنیدن
اگر بر نیک و بد قدرت نداری چرا بر نیک و بد باید رسیدن
تو که ریگی به کفش خود نداری چرا بایست شیطان آفریدن

ملک الشعراء بهار

در انتهای این نوشته خوب است از شاعری متأخر که در دوران رضا شاه می‌زیسته نیز نمونه‌هایی ذکر کنیم تا تحول معنایی واژه "فتنه" را در روزگار خود که سیاست سایه بر همه چیز انداخته است بشناسیم. در اینجا نیز همانند سایر موارد، عنایتی به مفهوم مثبت فتنه که مدرسه رشد انسان در چالش با سختی‌هاست مشاهده نمی‌شود:

آوخ از محنت و عنای شما وای از رنج و ابتلای شما

به رخ خلق باب فتنه گشود مجلس شوم فتنه زای شما

بی‌بها مانده‌اید و بی‌قیمت زانکه رفت از میان بهای شما

دست از این قیل و قال بردارید نه اگر بر خطاست رأی شما

شاه مست و شیخ مست و شحنه مست و میر مست مملکت رفته از دست

هر دم از دستان مستان فتنه و غوغا بپاست کار ایران با خداست.

(۱)- واصله عرض الذهب علی النار لیتبین صلاحه من فسادہ (فروق اللغویه- ابی هلال عسگری).